



کنکس: آرش خاموشی هم میهن

ماموریت ویژه بازسازی

هنرهای تجسمی در چنبره جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اسرائیل علیه ایران



حسین نوروزی

پژوهشگر حوزه مطالعات هنر

جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اسرائیل علیه ایران، که آتش آن بر جان شهرهای ایران نشسته و بوی باروت در فضای کشور پیچیده، هنرهای تجسمی را نیز دچار سکوت و رکود کرده است. گالری‌ها تعطیل یا در حالت نیمه‌فعال‌اند و بسیاری از هنرمندان در ازوایی ناخواسته و دردناک به‌سر می‌برند. آیا می‌توان هنر را از رنج جمعی مردم جدا دانست؟ هنرهای تجسمی، همواره آینه‌ی

اندوه و امید این سرزمین بوده‌اند. پیش از آغاز جنگ نیز، رکود اقتصادی و بی‌ثباتی بازار، بازار هنر را به محاق برده بود. مجموعه‌داران عقب‌نشینی کرده بودند، خرید آثار هنری متوقف شده بود و بسیاری از گالری‌ها صرفاً برای بقا، هزینه‌ها را از جیب‌می‌پرداختند. اکنون در شرایط تشدید بحران، این پرسش بزرگ‌تر از همیشه مطرح است: گالری‌ها که قلب تپنده نمایش آثار هنرمندان‌اند، تا کی تاب‌می‌آورند؟

وضعیت گالری‌داری در ایران، از حیث اقتصادی و حقوقی، همواره دشوار بوده است. گالری‌داران بدون حمایت دولتی، با هزینه‌های بالای اجاره، مالیات، مجوز، تبلیغات و نگهداری مواجه‌اند. اکنون با بی‌رونی شدن بازار، گالری‌ها عملاً به مرحله ورشکستگی رسیده‌اند. این وضعیت، زنگ خطری است برای نابودی بستر عرضه هنر در کشور.

در چنین شرایطی، نقش اداره کل هنرهای تجسمی وزارت ارشاد نقشی کلیدی و اجتناب‌ناپذیر است. اما متأسفانه این نهاد سال‌هاست در جایگاه ناظر و گاه ممیز ظاهر شده، نه حامی. اکنون دیگر وقت آن رسیده است که اداره کل هنرهای تجسمی، بسیاری از نقش‌های نظارتی و سانسوری خود را به نقشی حمایتی و کمک‌رسان در قبال گالری‌ها و نهادهای صنفی هنری تبدیل کند؛ نقشی که پیش‌تر سابقه‌ای اندک و مقطعی داشته، اما امروز ضرورتی قطعی و فوری یافته است.

این نهاد موظف است برای حمایت از گالری‌ها و فعالان این حوزه، بسته‌های مشخص حمایتی طراحی کند، نمایشگاه‌های ملی و منطقه‌ای را فعال نگه دارد، و حتی فضای مجازی عرضه آثار را تقویت کند. این وظایف، سال‌هاست یا معطل مانده یا به کلی نادیده گرفته شده‌اند.

در این میان، حاکمیت وظیفه‌ای مستقیم در قبال انجمن‌های هنری و صنفی دارد: انجمن‌هایی که ستون‌های پایداری صنف هنرهای تجسمی‌اند و امروز در آستانه ضعف قرار گرفته‌اند. اگر این نهادها فروریزند، دیگر سازوکاری برای حمایت از هنرمندان باقی نمی‌ماند. انتظار از معاونت هنری که بودجه‌های سنگینی در اختیار دارد، آن است که با تخصیص منابع حمایتی به این انجمن‌ها و نیز به گالری‌ها، اجازه ندهد بنیان هنرهای تجسمی در کشور از هم‌پاشد.

از سوی دیگر، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز باید ماموریت خود را بازتعریف کند. در این شرایط، معرفی هنر فاخر معاصر ایران به مخاطبان جهانی باید در اولویت باشد. خانه‌های فرهنگ جمهوری اسلامی در خارج از کشور، می‌توانند بستری برای نمایش و حتی فروش آثار هنرمندان ایرانی باشند. این اقدامات نه هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری فرهنگی و دیپلماتیک است.

تجربه کشورهای همسایه نشان داده که حتی در بحران، می‌توان برای هنرمندان بستر فروش و نمایش فراهم کرد. در ترکیه، بنادهایی چون Istanbul Modern «» در بحران اقتصادی بازارهای جایگزین ساختند. در لبنان، پلتفرم‌های فروش بین‌المللی با حمایت نهادهای غیردولتی ایجاد شدند. ایران نیز اگر بخواهد، می‌تواند از این ظرفیت‌ها بهره بگیرد. هنرهای تجسمی امروز دیگر کالای لوکس نیستند، بلکه زبان دوم مردم‌اند. هنر مقاومت و هنر بحران، ابزار بیان درد، امید، ایستادگی و هویت‌اند. در چنین شرایطی، سیاست‌گذار فرهنگی باید اقدامات فوری انجام دهد؛ از جمله:

- ▶ حمایت مستقیم مالی از هنرمندان مستقل
- ▶ کاهش مالیات گالری‌ها و پلتفرم‌های فروش آثار
- ▶ تسهیل در مجوز و برگزاری نمایشگاه‌ها
- ▶ توسعه زیرساخت نمایشگاه‌های آنلاین و بین‌المللی

شرایط بحرانی، پایدار نیست؛ بازسازی در شهرها آغاز شده، اما سؤال اینجاست: آیا بازسازی در حوزه هنرهای تجسمی هم آغاز خواهد شد؟ اگر نه، چه کسی مسئول پیامدهای فرهنگی این فروپاشی است؟ هنر بی‌پناه، جامعه بی‌صداست. جامعه‌ای بدون هنر، بی‌هویت، بی‌آفت و بی‌امید است و این چیزی نیست که حاکمیت بتواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.

آهسته و پیوسته

برآورد مقصود فراستخواه از توسعه ایران از مسیر یادگیری، مدارا و تعاون ایرانیان



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

مقصود فراستخواه، متولد ۱۳۳۵ در تبریز، از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان و پژوهشگران عرصه علوم انسانی در ایران است. فراستخواه نه‌فقط از دانشگاهیان معتبر و محققان ریزبین است، بلکه در حوزه روشنفکری ایرانی نیز از شخصیت‌های محبوبی است که مخاطبان خاص خود را دارد؛ خوانندگانی که همگام با مشارکت فعالانه فراستخواه در عرصه عمومی اعم از چاپ مقالات در مجلات، گفت‌وگو با روزنامه‌ها، ارسال مقاله به همایش‌های علمی و سخنرانی در نشست‌های دانشگاهی، سخن او را می‌شنوند و تعقیب می‌کنند. فراستخواه که در دو حوزه نواندیشی دینی و دانشگاه و آموزش عالی در ایران، آثاری مهم چون «سراغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیردینی)» و «سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران» را تألیف کرده است، ۱۰ سال پیش کتابی را با نام «ما ایرانیان» را با عنوان فرعی «زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی» در نشر «نی» به بازار کتاب عرضه کرد. اثری که به‌سریعت در میان کتاب‌های پر فروش قرار گرفت، اینک به چاپ بیست‌وهشتم رسیده است و بنا به نقل مولف در مقدمه کتاب، برآیندی از بیست‌وچند جلسه هم‌اندیشانه‌ای است که با دعوت بنیاد فرهنگی مهندس بازگان و با حضور فراستخواه، طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ به‌صورت ماهانه در حسینیه ارشاد برگزار شده است.

▼ تاریخچه خلیقات‌شناسی ایرانی

فراستخواه نخستین کسی نیست که به مسئله «خلیقات ایرانی» می‌پردازد و پیش از او نویسندگان ایرانی دیگری نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند. برخی از این آثار، از قبضا، بسیار نیز پرفروش شده‌اند. برای نمونه، کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» علی رضاقلی با محوریت سرگذشت سه شخصیت مصلح سیاسی تاریخ ایران معاصر (فائز مقام فراهانی، امیرکبیر و محمد مصدق) در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸۰ فروش فراوانی داشت. کتاب «جامعه‌شناسی خودمانی» حسن نراقی نیز که با سبکی عامه‌پسند نوشته

شده، مخاطبان پرشماری داشته است و ازجمله آثاری است که بسیاری پس از مطالعه آن، دیگران را به خواندنش ترغیب می‌کنند. روایت صادق زیباکلام از چرایی و چگونگی وضعیت تاریخی ما در کتاب «ما چگونه ما شدیم؟» هم از پرفروش‌ترین‌ها بوده است و ظرف سه دهه، به ۳۴ چاپ رسیده است. پیش از همه این‌ها، دیگرانی چون محمدعلی جمالزاده در «خلیقات ما ایرانیان» (۱۳۴۳) و مهدی بازگان در «سازگاری ایرانی» (۱۳۴۳)، به این موضوع اندیشیده‌اند و تفسیرها و تبیین‌هایی متفاوت از مسئله داشته‌اند. علی محمد ایزدی، محمود سریع‌القلم و... نیز در همین زمینه دست به قلم شده‌اند.

البته ذکر و بررسی سیاهه آثار مرتبط با این موضوع، خود می‌تواند بهانه‌ای برای نگارش متنی مستقل باشد. خوشبختانه فراستخواه، خود در فصل دوم کتاب «ما ایرانیان» که شاید بتوان یکی از مهم‌ترین وجوه ممیز آن از سایر آثار را در تقید تحسین‌برانگیز نویسنده در نگارش متن به روش تحقیق علمی دانست، با دقتی قابل تحسین، به‌رسم هر اثر علمی قابل‌تأملی، به بررسی پیشینه پژوهشی این بحث پرداخته، ۱۱ مدخل مطالعاتی را ردگیری کرده و انبوه کتاب‌های این حوزه‌ها را بر همین اساس تقسیم‌بندی کرده است. به همین دلیل، این فصل کوتاه ۱۸ صفحه‌ای آکنده از نام کتب و نویسندگانی است که از مناظر متفاوت به مسئله خلق و خوی ایرانیان پرداخته‌اند و گزارش فراستخواه، خواننده را در آغاز کتاب با دانشی گسترده از تلاش‌های نظری قبلی، رهسپار فصول بعدی می‌کند.

▼ اصلی‌ترین مشکل در خلیقات ایرانی

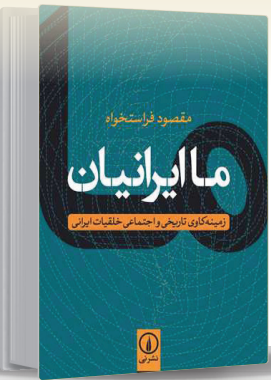
فراستخواه در فصل نخست و پیش از پیشینه‌شناسی پژوهش، به طرح مسئله و مفروضات می‌پردازد و می‌کوشد اجتناب خود از دو موضع را توضیح دهد. این دو موضع یکی موضع «تقلیل‌گرایانه» است که فرهنگ ایرانی را به خلق و خو و آن هم فقط با روایتی منفی فرو می‌کاهد و از تنوع و رنگارنگی آن غفلت می‌ورزد و دیگری موضع «ایستا» که با دیدگاهی ذات‌باورانه، تحول، تکامل و تغییر فرهنگی، نگرشی و رفتاری، ایرانیان را نادیده می‌گیرد.

فراستخواه برای زمینه‌کاوی خلیقات ایرانی دست به پیمایش آزمایشی در سطح ملی از اعضای هیئت علمی

معرفی کتاب

مایرانیان

نویسنده: مقصود فراستخواه
مترجم: بابک تحقق
انتشارات: نی
قیمت: ۲۲۰ هزار تومان



دانشگاه‌های کشور زده و چنین نتایجی را استخراج کرده است: قریب به ۹۶ درصد به درجات متفاوت با بحث‌انگیزبودن و مشکل داشتن خلیقات ایرانی موافق هستند و نزدیک به ۷۲ درصد معتقدند، چیزی به‌نام روح و روحیه ایرانی وجود دارد. مصاحبه‌شوندگان اصلی‌ترین مشکل در خلیقات ایرانی را پیوند زدن میان منافع فردی و منافع عمومی، فاصله میان ظاهر و باطن، غلبه هیجانات و تلقین‌پذیری بر استدلال‌ورزی و خردگرایی، مطلق‌گرایی، جزمیت و تعصب، تقدیرگرایی، بی‌اعتمادی، ترس نهادینه و بی‌قاعد و غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها دانسته‌اند و ضعف‌های موجود در خلیقات ایرانی را در مجموع از ضعف‌های موجود در خلیقات ملل اروپایی، غربی، ملل آسیایی توسعه‌یافته (چین، ژاپن و کره جنوبی) و ملل مسلمان نسبتاً موفق (ترکیه و مالزی) بیشتر دانسته‌اند.

▼ عوامل شکل دهنده خلیقات ایرانی

در ریشه‌یابی عوامل موثر بر خلیقات ایرانی نیز به‌ترتیب، ساختارها و نهادهای جامعه مانند اقتصاد نفتی، کنشگران